

تبیین نقش مدیریت دانش در بستر آموزش از دور

ثنا صفری استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، sa.safari@ymail.com
مظفر شریف زاده مربی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور sharifzad2007@yahoo.com

یافته های تحقیق

برای پاسخ به این سؤال که وضعیت مطلوب متغیر مدیریت دانش در دانشگاه پیام نور به چه میزان است؟ از آزمون T تک نمونه استفاده شد. در هر مؤلفه میانگین حاصله با عدد ۳ به عنوان نقطه وسط طیف مقایسه شده و معناداری یا عدم معناداری میانگین گویه با میانگین معیار (عدد ۵۰) بررسی شد. یافته ها نشان می دهد که دانشگاه پیام نور از جو و فرهنگ مساعد برای تبادل دانش و اعضای هیأت علمی از توانایی انجام کار گروهی و از آزادی عمل در انجام وظایف محوله برخوردارند و همچنین در دانشگاه پیام نور به خلاقیت و طرح اندیشه های نو بهاء داده شده و تمامی اعضا برای به اجرا در آوردن نظریه ها و ایده های خود از فضای مناسب برخوردارند.

برای پاسخ به این سؤال که وضعیت موجود متغیر مدیریت دانش در دانشگاه پیام نور به چه میزان است؟ از آزمون T تک نمونه استفاده شده است. در هر مؤلفه میانگین حاصله با عدد ۵۰ به عنوان نقطه وسط طیف مقایسه شده و معناداری یا عدم معناداری میانگین متغیر با میانگین معیار (عدد ۵۰) بررسی شده است.

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	T	معناداری
خلق دانش	۵۵.۹۹	۲۳.۹۹۱	۴.۷۰۱	۰.۰۰۰
تسهیم دانش	۵۶.۷۱	۲۳.۶۱۰	۵.۳۵۸	۰.۰۰۰
کاربرد دانش	۵۶.۲۰	۲۹.۸۹۵	۳.۹۰۶	۰.۰۰۰
مدیریت دانش	۵۶.۲۵	۲۲.۹۶۶	۵.۱۲۹	۰.۰۰۰

نتایج جدول فوق نشان می دهد در تمام مؤلفه های مدیریت دانش میانگین حاصله از میانگین معیار از (عدد ۵۰) بیشتر است. بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه می توان گفت تفاوت بین میانگین مؤلفه ها با میانگین معیار معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. اما تحلیل مسیر و بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری (با کاربرد نرم افزار (AMOS استفاده شده است. جدول زیر آماره های مربوط به برازش مدل را نشان می دهد.

RMSEA	CFI	IFI	خیدو		
			CMIN/df	درجه آزادی	CMIN (خیدو)
۰.۱۷۴	۰.۹۷۱	۰.۹۷۱	۱۱.۷۰۱	۴	۴۴.۸۰۶



بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش مقایسه عملکرد دانشجویان در آزمون های مداد-کاغذی و آزمون های الکترونیکی بود. نتایج پژوهش نشان داد که عملکرد دانشجویان در آزمون های الکترونیکی بهتر از عملکرد آنها در آزمون های مداد-کاغذی بوده است. نتیجه پژوهش با یافته های مامسنکو، سیلکین، لئوپونینو و کالتون (۲۰۱۱) همخوان است. این پژوهشگران دریافته اند که تکرار برگزاری آزمون الکترونیکی به صرف زمان کمتر و نمره بیشتر می انجامد.

انتظار می رفت که عملکرد دانشجویان در آزمون های مداد-کاغذی بیشتر باشد؛ زیرا دانشجویان با این نوع آزمون ها آشنایی بیشتری دارند و در طول تحصیلات بیشتر با این آزمون ها مورد ارزیابی قرار گرفته اند؛ اما آنچه عملاً به دست آمد چیزی برخلاف پیش بینی پژوهشگر بود و دانشجویان در آزمون های الکترونیکی بهتر عمل کرده بودند. دلیل این که چرا دانشجویان در آزمون های الکترونیکی بهتر عمل کرده اند معلوم نیست؛ اما احتمال می رود بخشی از این عملکرد بهتر به زمان مربوط باشد. در آزمون های الکترونیکی دانشجویان زمان کمتری برای پر کردن جاهای خالی نیاز دارد و احتمالاً زمان بیشتری را برای مرور سؤالات آزمون در اختیار خواهد داشت. علاوه بر این، کمبودهایی که در برگه های آزمون نظیر ناخوانا بودن وجود دارد، در آزمون الکترونیکی وجود ندارد. باین وجود باید در تعمیم این یافته ها به جامعه آماری بزرگتر با احتیاط برخورد کرد. زیرا احتمال دارد آزمون های الکترونیکی برای دروس کاملاً محاسباتی نتیجه متفاوتی داشته باشد.

چکیده

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها، توصیفی و از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه پیام نور می باشند که تعداد آنها ۴۰۰۰ نفر بوده است. در این پژوهش، تعداد نمونه بر اساس جدول مورگان ۳۵۷ نفر می باشد. روش نمونه گیری در مرحله کیفی به صورت نمونه گیری هدفمند، مشتمل بر ۱۲ نفر از خبرگان در حوزه مدیریت و در مرحله کمی شامل نمونه گیری تصادفی بوده است. جهت گردآوری داده ها، پژوهشگر با استفاده از ادبیات و تحقیقات انجام گرفته، از پرسشنامه محقق ساخته (مدیریت دانش در سه بعد خلق، تسهیم و کاربرد با ۲۲ گویه) استفاده نموده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است و برای بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری (نرم-افزار (AMOS استفاده شده است. به منظور تجزیه تحلیل داده ها نیز از نرم افزارهای Lisrel و Spss استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد وضعیت موجود مدیریت دانش اعضای هیأت علمی دانشگاه پیام نور دور با توجه به بالا بودن میانگین حاصل از میانگین معیار (عدد ۵۰) در تمام مؤلفه ها، در سطح مطلوبی قرار دارد و مدل بدست آمده نیز از برازندگی نسبتاً مناسبی برخوردار می باشد.

هدف :

هدف این پژوهش، تبیین نقش مدیریت دانش در بستر آموزش از دور بوده است.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها، توصیفی و از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه پیام نور می باشند که تعداد آنها ۴۰۰۰ نفر می باشد. در این پژوهش، تعداد نمونه بر اساس جدول مورگان ۳۵۷ نفر می باشد. روش نمونه گیری در مرحله کیفی به صورت نمونه گیری هدفمند، مشتمل بر ۱۲ نفر از خبرگان در حوزه مدیریت و در مرحله کمی شامل نمونه گیری تصادفی بوده است. جهت گردآوری داده ها، پژوهشگر با استفاده از ادبیات و تحقیقات انجام گرفته، از پرسشنامه محقق ساخته (مدیریت دانش در سه بعد خلق، تسهیم و کاربرد با ۲۲ گویه) استفاده نموده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. بارهای عاملی بالاتر از ۳/۰ نشان دهنده اعتبار لازم برای پرسشنامه است.

از تحلیل عاملی تأییدی برای روایی سازه، نتایج تحلیل مسیر، آزمون سؤالات پژوهش و بررسی برازش مدل از معادلات ساختاری (نرم افزار (AMOS استفاده شده است. برای بررسی اعتبار و کفایت داده ها از شاخص KMO و از آزمون بارتلت نیز برای بررسی چگونگی ماتریس همبستگی استفاده شده است و از شاخص برازندگی ریشه میانگین مجزورات تقریب خطا (RMSEA) و برای برازندگی مدل های معادلات ساختاری استفاده شده است. به منظور تجزیه تحلیل داده ها از نرم افزارهای Lisrel و Spss استفاده شده است.

مقدمه، بیان مسئله، مبانی نظری و پیشینه

از ویژگی های بارز هزاره سوم، گذار از عصر صنعتی به عصر دانش محور، تغییر و تحولات سریع در بازارهای جهانی، تغییرات ژرف و سریع در عرصه های علمی - فنی و چالش های پی در پی نظام های اقتصادی - اجتماعی در صحنه رقابت بین المللی می باشد، سازمان هایی در عرصه رقابت از موقعیت مناسبی برخوردار خواهند بود که نسبت به پاسخگویی به خواسته ها و انتظارات مشتریان و ذی نفعان چابک تر بوده و بتوانند محیط داخلی و بیرونی خود را کاملاً درک نموده و در موقعیت مناسب، تدابیر مناسبی را اتخاذ نمایند. سازمان های امروزی باید با بکارگیری توانمندی های کارا و اثر بخش، برقراری تعادل بین توانمندی ها و نتایج و بهبود مستمر عملکرد سازمانی خود در کلیه زمینه ها، گام در مسیر بی پایان تعالی برداشته و به تدریج به یک سازمان متعالی مبدل شوند. دانش، یکی از این توانمندی ها است. مهمترین متغیر رشد همه جانبه سازمان ها و بنگاه های اقتصادی عصر حاضر، دانش است (داونپورت، ۲۰۰۱). دانش به یکی از مهم ترین منابع راهبردی مورد نیاز سازمان ها تبدیل شده و تولید دانش برای کسب مزیت رقابتی و موفقیت سازمان ها ضروری شده است (نوناکا تاکوچی، ۱۹۹۵). به گفته پیتز دراکر، راز موفقیت سازمان ها در قرن بیست و یکم همان مدیریت دانش است. بنابراین، مدیران سازمان ها باید با تکیه بر دانش برتر امکان اتخاذ تصمیمات معقول تر در زمینه موضوع های مهم و بهبود عملکردهای مبتنی بر دانش را پیدا کنند. در واقع، مدیریت دانش، مقوله ای مهمتر از خود دانش محسوب می شود و سازمان ها درصدد آن هستند که نحوه چگونگی تبدیل اطلاعات و دانسته فردی و سازمانی را به دانش و مهارت های فردی و گروهی را تبیین کنند (داونپورت و گلاس، ۲۰۰۲). در عمل نیز، بسیاری از شرکت ها ادعا کرده اند که کمک فرایند مدیریت دانش کارا و اثرگذار، مدیریت دانش بر روی عملکرد سازمان موثر بوده است. از اینرو، مدیریت دانش بدون شک، یکی از مهمترین مقدمات برای عملکرد یا نوآوری سازمان است (لیائو و ویو، ۲۰۰۹).

نیومن و کنراد (۲۰۰۰)، و همچنین ماسا و تسنا (۲۰۰۹)، الگوی عمومی دانش را به شرح ذیل ارائه داده اند. در این الگو دانش در چهار بعد سازماندهی می شود: این ابعاد عبارتند از: ۱-خلق دانش؛ ۲- ذخیره و سازماندهی دانش؛ ۳- اشتراک یا تسهیم دانش؛ ۴- کاربرد دانش. این چهار عامل را می توان به عنوان عوامل پایه و اساسی در مدیریت دانش دانست. بنابراین هدف مدیریت دانش را می توان اینگونه بیان داشت، شناسایی و استفاده از دانش موجود در سازمان و در مرحله بعد تولید دانش جدید در جهت اهداف سازمانی، به نحوی که بتوان از این رهگذر برای سازمان مزیت رقابتی کسب کرد و عملکرد سازمان را بهبود بخشید (جوی، ۲۰۱۰).

اصطلاح آموزش از راه دور را اولین بار کراس وضع کرد و از نظر او به انواع آموزش هایی اشاره دارد که از فن آوری های اینترنت و اینترنت برای یادگیری استفاده می کند. برای درک مقولات نظری وابسته به آموزش از راه دور، بررسی شیوه ایجاد و گسترش این نوع آموزش در قرن گذشته درخور توجه است. از دیدگاه سنتی، سازه های نظری و یافته های تحقیق در زمینه آموزش از راه دور در زمینه سرمایه گذاری و ایجاد این نوع آموزش بوده است. مقوله ای که از معیارهای آموزشی وابسته به کلاس های درسی آموزش سنتی کاملاً فاصله می گیرد. برای توضیح پدیده آموزش از راه دور، نظریه پردازانی چون هولمبرگ، کیگان، و رامبل مفروضات اصلی مربوط به تفاوت آموزش از راه دور و آموزش سنتی را تشریح کرده اند. هر یک از آنها، با در نظر گرفتن مشخصه اصلی آموزش از راه دور که همان جدایی بین فراگیر و معلم است، تعریف مشخصی از آموزش از راه دور ارائه کرده اند. رامبل (۱۹۸۶) فراگیر از راه دور را به عنوان کسی معرفی کرد که از نظر فیزیکی از معلم دور است. هولمبرگ (۱۹۸۶) طرح یادگیری از قبل طراحی و هدایت شده را مطرح کرد و کیگان (۱۹۸۸) طرح شکل گیری آموزش از طرفه ای را متفاوت از شکل های رایج آموزش در کلاس های سنتی ارائه داد. وده می (۱۹۷۷) و مور (۱۹۷۳) با تکیه بر استقلال و خودکفایی فراگیران در یادگیری، سعی در توجیه مزایای آموزش از راه دور نسبت به آموزش سنتی داشتند. سایر نظریه پردازان آموزش از راه دور از جمله اتو پیترز (۱۹۷۱)، بات (۱۹۸۲)، سی وارت (۱۹۸۷) و دانیلو مارکوس (۱۹۷۹)، با تکیه بر مفهوم صنعتی شدن و یادگیری باز و غیر سنتی مقوله آموزش باز و از راه دور را بررسی کرده اند. گاناواردا و مک ایواک، ۱۹۹۷، ص ۵۵۵-۳۶۰